

عوامل و ریشه‌های خشونت در بین دانش آموزان دوره دبیرستان آذر شهر

محبوبه بابائی^۱

علی ذوالقدر^۲

سکینه ندرلو^۳

حمید ذوالقدر^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۲۰

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۰۶/۰۱

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی عوامل و ریشه‌های خشونت رفتاری در بین دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه در منطقه‌ی آذرشهر انجام شده است. تحقیق حاضر با استفاده از روش پیمایش و با ابزار پرسش‌نامه انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق، تمامی دانش‌آموزان دوره متوسطه در حال تحصیل در سال ۹۰-۱۳۸۹ شهرستان آذر شهر که ۳۱۸۳ بوده است که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و فرمول کوکران ۳۴۳ انتخاب شدند. نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد تمامی متغیرهای مستقل ناکامی، غیبت والدین، یادگیری اجتماعی، شیوه‌های انضباطی، رسانه‌های همگانی، خشونت والدین، محیط آلوده زندگی دارای همبستگی مثبت با متغیر وابسته خشونت رفتاری دارند. همچنین یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که خشونت‌های رفتاری دانش‌آموزان متوسطه‌ی شهرستان آذرشهر بیشتر به خاطر وجود برخی مشکلات همانند تأکید بیش از حد به آموزش و غافل از نقش پرورش در نظام آموزشی، ضعف در تعاملات سازنده دو طرفه خانواده - مدرسه و محیط زندگی دانش‌آموزان است.

واژگان کلیدی: یادگیری اجتماعی، خشونت، ناکامی، دانش آموزان.

^۱ - استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، mbabaei1013@yahoo.com

^۲ - نویسنده‌ی مسؤول فارغ التحصل کارشناس ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه تبریز، azolghadrjt@gmail.com

^۳ - فارغ التحصل کارشناسی ارشد پژوهشگری از دانشگاه آزاد زنجان، naderloo9@yahoo.com

^۴ - کارشناس ارشد اقتصاد برنامه‌ریزی و توسعه دانشگاه تبریز، hamidzolghadrjt@gmail.com

مقدمه

خشونت^۵، پرخاش^۶ و پرخاشگری^۷ را از این منظر که در محدوده روابط متقابل اجتماعی تجلی و بروز می‌یابند می‌توان پدیده‌های اجتماعی و روانی تلقی نمود و مطالعات تجربی و تحقیقات نظری آن را در حیطه تبعات روان‌شناسی اجتماعی دانست. پرخاش و پرخاشگری گرچه در برخی از متون و منابع به طور مترادف و متناظر به کار رفته‌اند اما معانی متفاوتی در روان‌شناسی اجتماعی دارند. عنصر ذاتی خشونت را پرخاشگری شکل می‌دهد که می‌توان آن را به عنوان واکنش ارادی یک فرد یا گروه در تحمیل و وارد ساختن درد و رنج به افراد دیگر در نظر گرفت. پرخاش رفتار است، ولی خشونت که معمولاً با پرخاشگری به کار برده می‌شود به عنوان صفت شخصیتی یا سابق بنیادی یا حتی عاطفی یا نگرشی تعریف می‌شود. اعمال خصمانه‌ای به طور عمدی به اشیا و افراد آسیب می‌رساند این عمل ممکن است یا بدنی باشد یا کلامی. به تعبیر لئونارد برکووتیز (۱۹۹۳) پرخاشگری تمایل نسبتاً دایم به ابراز و رفتارهای توأم با پرخاش از سوی فرد در موقعیت‌های مختلف است.

آن چه که باعث توجه پژوهشگران مانند مویر^۸، دارلی^۹، کیو^{۱۰}، لیو^{۱۱}، لوراس^{۱۲}، لورنتس^{۱۳} و افرادی زیادی دیگر را به خشونت رفتاری (پرخاشگری) و پی‌آمدهای این گونه رفتارها برای جوانان مانند ایجاد تصویر منفی در میان همسالان و آموزگاران، طرد از سوی همسالان، افت تحصیلی مصرف مواد تصویر و بزهکاری می‌شود. نوجوانان پرخاشگر معمولاً توان مهار رفتارهای خود را ندارند و معیار و ارزش‌های جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کنند در بیشتر موارد به راحتی زیر پا می‌گذارند. در بیشتر موارد والدین و اولیای مدارس با آنها درگیری پیدا می‌کنند و گاهی به اخراج آنها از مدرسه می‌انجامد.

علت عمده خشونت خود خشونت است. اگر شخص مرتکب عمل پرخاشگرانه‌ای شود، به خصوص با شدتی فراتر از آنچه که قربانی انجام داده و آن را سبب شده است، نیروهای شناختی و انگیزشی، با هدف توجیه آن پرخاشگری فعال می‌شوند و افزایش پرخاشگری را امکان‌پذیر می‌سازند (ارونسون، ۱۳۸۵: ۲۸۹).

نظریه‌ها و تحقیقات نشان داده‌اند که مرحله اصلی فرآیند اجتماعی شدن کودک، از خانواده شروع می‌شود. بر این اساس خانواده در شکل‌گیری نگرش‌ها، ارزش‌ها و باور داشت‌های کودک نقش اصلی را بر عهده دارد و بر نوع روابط فرد با عوامل و نهادهای اجتماعی دیگر تأثیر می‌گذارد (کوئن، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

-
- ۵ - Violence
 - ۶ - Invective
 - ۷ - Aggression
 - ۸ - Mayer
 - ۹ - Dearly
 - ۱۰ - Cue
 - ۱۱ - Leave
 - ۱۲ - Loras
 - ۱۳ - Lorenz

به طور کلی تصویر «خود» نزد کودک انعکاس احساسی است که اعضای خانواده نسبت به او دارند. بنابر این تصویری که فرد از خود و نیز از جهان پیرامون و از افرادی که پیرامون او هستند دارد، به طور مستقیم تحت تأثیر نگرش و باورهای خانواده‌هایشان است (توسلی و فاضل، ۱۳۸۱: ۱۱۷). در تحقیقاتی که تا به حال صورت گرفته است مشاهده شده است افراد پرخاشگر متعلق به خانواده‌هایی بوده‌اند که در آن‌ها مشکلات رفتاری بیشتری به چشم می‌خورد مثل پرخاشگری سرقت دزدی بحث و جدل (میرزا بیگی و فرجی، ۱۳۸۷: ۲۶).

غیبت یا جدایی والدین نقشی مؤثر در افزایش خشونت فرزندان دارد. در صورتی که پدر و مادر فرزندان در کنار آن‌ها نباشند، کودک برای جبران محبتی که بدان نیاز دارند دست به پرخاشگری و خشونت رفتاری می‌زنند زیرا فقدان حضور پدر و مادر در کنار فرزندان از یک طرف و نبود دست محبت آنها بر بالای سر فرزندان از طرفی دیگر تبدیل به عقده‌ای برای بچه‌ها می‌شود و این عقده‌ها در فرصت‌های مناسب به عرصه نمایش گذاشته می‌شود.

یکی دیگر از عواملی که در افزایش پرخاشگری تأثیرگذار می‌باشد، زندگی فرد در محیط آلوده است مثلاً مناطقی که دارای میزان بالای جرم و جنایت بوده و افراد ارادل و اوباش و بزهدار بیشتر زندگی می‌کنند. اگر پایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد در سطح پایینی باشد شانس پرخاشگری در این فرد زیاد خواهد بود (میرزا بیگی و فرجی، ۱۳۸۷: ۲۷).

بالدری^{۱۴} (۲۰۰۳) بر اساس مطالعه پیمایشی روی ۱۰۵۹ نفر از دانش‌آموزان دوره ابتدایی و متوسطه ایتالیایی انجام داده است، نشان داد که خشونت بدنی به صورت بارزی در مدارس ایتالیا وجود دارد. اما فراوانی آن در مدارس پسرانه به صورتی معنادار بیشتر از مدارس دخترانه است. وی درگیری‌های خانوادگی به ویژه خشونت بدنی پدر نسبت به مادر را از عوامل عمده خشونت بدنی در دختران محسوب کرد. همچنین پژوهش‌های دیگر ملی و بین‌المللی وجود دارد که خشونت در مدرسه را تأیید می‌کند (اوکیف^{۱۵}، ۱۹۹۹؛ سیمون^{۱۶} و همکاران، ۱۹۹۸؛ برنت^{۱۷}، ۱۹۹۸؛ کیم^{۱۸} و همکاران، ۲۰۰۰؛ لافلام^{۱۹} و همکاران، ۱۹۹۸؛ دالبرگ^{۲۰}، ۱۹۹۸).

زیست‌شناسان اجتماعی معتقدند به دلیل اینکه انسان در بستر انتخاب طبیعی تکامل می‌یابد، تمایلات نیرومند معطوف به رفتار پرخاش‌جویانه وی در این بستر قابل شناخت است. بنابر این تمایلات مذکور بخشی از ماهیت وراثتی و زیستی وی به شمار می‌آیند (بارون و بایرون، ۱۹۹۴: ۴۳۷). در این

۱۴ - Baldry
۱۵ - O'Keeffe
۱۶ - Simon
۱۷ - Brent
۱۸ - Kim
۱۹ - Lafalam
۲۰ - Dalberg

دیدگاه برخلاف رویکرد لورنز که به بقای فرد توجه داشت، به بقای ژنتیکی تأکید می‌شود. از آن‌جا که حداقل برخی از ژن‌های انسان‌ها می‌توانند از طریق تولید مثل موفقیت آمیز منتقل می‌شوند، ژن‌های نهفته در رفتار که آسیب‌زا هستند در جریان تکامل و از طریق اختلاط و امتزاج ژنتیکی حذف می‌شوند. برنارد^{۲۱}، در نظریه پرخاشگری خشونت‌بار خود به طور مستقیم به شرایط به وجود آورنده‌ی عقاید فرهنگی توجه کرده است (برنارد، ۱۳۹۰: ۷۷). نظریه برنارد بر پژوهش زیست‌شناسانه و روان‌شناسانه‌ی مربوط به برانگیختگی فیزیولوژیکی که واکنش جنگ یا گریز بدن به یک موقعیت تهدیدکننده است، مبتنی است. بر اساس استدلال برنارد، افرادی که به طور منظم برانگیخته می‌شوند، مجموعه‌ی گسترده‌ای از حوادث را تهدیدکننده تفسیر می‌کنند، نسبت به دیگران به آن حوادث با پرخاشگری بیشتری واکنش نشان می‌دهند.

اکرز^{۲۲} چهار مفهوم اصلی را که پایه و اساس نظریه یادگیری اجتماعی یعنی فراوانی معاشرت^{۲۳}، تقویت‌کننده‌های افتراقی^{۲۴}، تعاریف^{۲۵} و تقلید^{۲۶} اساس نظریه یادگیری خودش می‌داند. فراوانی معاشرت، فرآیندی که به موجب آن شخص در معرض تعاریف موافق و ناموافق قرار می‌گیرد که سبب پیروی شخص از قانون یا گزینش رفتار قانون‌شکنانه می‌شود. هم‌نشینی افتراقی بعد هنجاری و بعد تعاملی دارد. بعد تعاملی شامل هم‌نشینی مستقیم و تعامل مستقیم با کسانی که در انواع معین رفتار درگیرند و نیز هم‌نشینی غیرمستقیم یا توصیف غیرمستقیم با گروه‌های مرجع دورتر است. بعد هنجاری شامل الگوهای مختلف هنجارها و ارزش‌ها که افراد از طریق این هم‌نشینی در معرض آن قرار می‌گیرند، است. تعاریف، دیدگاه یا معنایی که یک شخص به رفتار خویش می‌دهد، آن شامل گرایش‌ها، دلایل، تعاریف موقعیت سنج و گرایش اخلاقی و ارزیابی‌کننده‌ای که تصدی یک عمل را که درست یا غلط، خوب یا بد، مطلوب یا نامطلوب، توجیه شونده یا غیر توجیه شونده است، تعریف می‌کند (اکرز، ۱۹۹۸: ۱۳۵).

این تعاریف در نظریه یادگیری اجتماعی کلی و خاص است. اعتقادات کلی شامل ارزش‌های عمومی، هنجارها، وجدان و مذهب می‌باشد. که ممکن است موافق با رفتار انحرافی یا ناموافق با رفتار انحرافی باشد. تعاریف خاص گرایش به این که فرد با اعمال خاص خود در وجدان خویش اعتقاد به این داشته باشد که دزدی نادرست است و این که قوانین بر خلاف دزدی می‌بایستی اطاعت شود، ممکن است در همان زمان مشابه، شخص کشیدن ماری جوانا را کمی نادرست بداند و این امر که تجاوز از قانون بر خلاف کشیدن مواد مخدر است، را برای خود عقلانی بسازد (جرج ولد و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۶۸).

۲۱ - Bernard

۲۲ - Akers

۲۳ - Differential association

۲۴ - Differential reinforcement

۲۵ - Diffinitions

۲۶ - Imitation

احتمال این که شخص از یک عمل، صرف نظر کند زمانی است که ارتکاب آن عمل باعث به وجود آمدن عوامل آزاردهنده و وقایع ناگوار شود (تقویت‌کننده منفی). تنبیهات ممکن است مستقیم باشند که پیامدهای دردناک یا غیر لذتمند در یک رفتار را به دست بدهند (تنبیه مثبت). فرآیند تقویت‌کننده در یک نمونه عمل نمی‌کند؛ بلکه آن به عنوان کارکرد در تماس با تغییرات و رخداد رفتارهای مختلف همبسته با احتمال، مقدار و تغییرات تعادل بین تنبیهات و پاداش‌ها در یک رفتار، عمل می‌کند (آکرز، ۱۹۹۸: ۱۳۹).

گابریل تارد بر این باور است که فرآیند کسب رفتار بزهکارانه و مجرمانه از طریق تقلید که مبتنی بر تجربه‌های یادگیری مشاهده‌ای است، انجام می‌شود. نظریه فرآیند اجتماعی رفتار جنایی تارد در این عقیده منعکس شده است که همه کنش‌های مهم زندگی اجتماعی تحت سلطه مثال‌هایی که در معرض فرد قرار دارد انجام می‌شود. تارد بر اساس این نظریه، فرآیند کسب رفتار مجرمانه را به همان گونه رفتار غیرمجرمانه تبیین می‌کند (احمدی، ۱۳۷۸: ۹۸).

میلر و دلارد^{۲۷} در تبیین یادگیری مشاهده‌ای خود می‌گویند؛ اگر رفتار تقلیدی تقویت شود، مانند هر یادگیری دیگر نیرومند خواهد شد. یادگیری تقلیدی طبق این رویکرد مورد خاصی از شرطی‌سازی وسیله‌ای است. از دید میلر و دلارد رفتار تقلیدی در سه نوع رفتار یکسان (برای مثال غالب مردم با دیدن خنده دیگران می‌خندند)، رفتار نسخه برداری کردن یا کپی کردن و رفتار جور شده‌ی وابسته تقسیم بندی می‌کنند. بر طبق این رویکرد اگر پاسخ‌های تقلیدی داده نشود و تقویت نگردند یادگیری صورت نخواهد گرفت. در واقع یادگیری تقلیدی حاصل مشاهده، پاسخ‌دهی آشکار و تقویت است.

نظریه ناکامی - پرخاشگری تبیین می‌کند که پرخاشگری می‌تواند معلول هر موقعیت ناخوشایند یا ملال‌انگیز مثل خشم درد و غیره باشد، اما مهم‌ترین عامل در ایجاد پرخاشگری از میان همه عوامل ناکامی است. اگر فردی در نیل به هدف خود با شکست مواجه شود، ناکامی حاصل، احتمال پاسخ پرخاشگرانه او را افزایش می‌دهد. معنای این مطلب این نیست که ناکامی همواره منجر به پرخاشگری می‌شود، یا این که ناکامی تنها علت پرخاشگری است (ارونسون، ۱۳۸۵: ۲۷۹). بر طبق اعتقادات نظریه - پردازان انگیزشی ناکامی یک علت اساسی پرخاشگری است که حالتی از انگیزش یا سابق را در شخص به وجود می‌آورد که در حضور قرینه‌های مناسب ظاهر می‌شود. در نتیجه برای کنترل باید به راه‌هایی بیندیشیم که می‌توانند ناکامی را کم کنند (کریمی، ۱۳۷۳: ۲۲۶).

با توجه به نظریه‌های فوق‌الذکر، هدف تحقیق حاضر پاسخگویی به دو سوال زیر است:

(۱) ریشه‌های خشونت رفتاری و پرخاشگری در بین دانش‌آموزان شهرستان آذر شهر چه می-

باشد؟

۲) کدام عوامل نقش اصلی را در ظهور رفتار خشونت آمیز و پرخاشگرانه در بین دانش آموزان متوسطه آذرشهر دارد؟ و با چه راهکاری می‌توان آنها را کاهش داد؟

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین ناکامی و خشونت رفتاری دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان آذرشهر رابطه وجود دارد.
- ۲- بین یادگیری اجتماعی و خشونت رفتاری دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان آذرشهر رابطه وجود دارد.
- ۳- بین شیوه‌های انضباطی و خشونت رفتاری دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان آذرشهر رابطه وجود دارد.
- ۴- بین تماشای رسانه‌های همگانی و خشونت رفتاری دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان آذرشهر رابطه وجود دارد.
- ۵- بین غیبت طولانی پدر و مادر و خشونت رفتاری دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان آذرشهر رابطه وجود دارد.
- ۶- بین محیط آلوده و خشونت رفتاری دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان آذرشهر رابطه وجود دارد.
- ۷- بین خشونت والدین و خشونت رفتاری دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان آذرشهر رابطه وجود دارد.

ابزار و روش

تحقیق حاضر با استفاده از روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق، تمامی دانش‌آموزان دوره متوسطه در حال تحصیل در سال ۹۰-۱۳۸۹ شهرستان آذر شهر بوده و از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای با احتمال متناسب برای انتخاب حجم نمونه استفاده شده است و بر اساس آن و با فرمول کوکران ۳۴۳ انتخاب شدند. پس از انجام آزمون مقدماتی، برای اعتبار ابزار سنجش از اعتبار صوری و برای میزان روایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده و گویه‌های نامناسب که سبب کاهش روایی طیف می‌شدند حذف گردیدند و پرسش‌نامه برای مرحله نهایی مورد آزمون قرار گرفت.

یافته‌ها

نمونه آماری پژوهش ($N = 343$) ۴۲/۳ درصد دانش‌آموز دختر و ۵۷/۷ درصد دانش‌آموز پسر است که محل سکونت ۷۰/۸ درصد پاسخگویان شهر و ۲۹/۲ درصد ساکن روستا هستند. وضعیت شغلی والدین پاسخگویان نشان می‌دهد که ۹۱/۵ درصد از مادران دانش‌آموزان خانه دار، ۴/۷ درصد کارمند

دولتی و ۳/۸ درصد در کار غیردولتی و آزاد شاغل‌اند، همچنین ۷۰/۶ درصد پدران پاسخگویان با شغل آزاد، ۱۳/۴ درصد کارمند دولتی و ۱۱/۴ درصد بازنشسته می‌باشند. توزیع فراوانی نسبی تحصیلات والدین دانش‌آموزان نیز نشان می‌دهد که ۲۹/۲ درصد از مادران بی‌سواد، ۱۰/۱ درصد با تحصیلات دانشگاهی، ۱۴/۹ درصد با مدرک دیپلم، ۵۱/۶ درصد با تحصیلات پایین‌تر از دیپلم هستند. همچنین ۱۴/۹۲ درصد از پدران نمونه مورد مطالعه بی‌سواد می‌باشند که این در مقایسه با سواد مادران خیلی پایین می‌باشد، و ۱۰/۸ درصد با تحصیلات دانشگاهی می‌باشند تقریباً برابر با مادران است، ۱۷/۸ درصد پاسخگویان با مدرک دیپلم، که در مقایسه با مادران تقریباً ۳ درصد بالاتر است. ۵۶/۶ درصد نیز با تحصیلات دیپلم و پایین‌تر از دیپلم می‌باشند.

همچنین نتایج به دست آمده از تحلیل دو متغیره با روش تحلیل همبستگی R پیرسون نشان می‌دهد که تمام متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی‌دار دارند. میزان همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته بالاتر از متوسط می‌باشد. جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که تمام متغیرهای مستقل با متغیر وابسته خشونت رفتاری دارای رابطه معنادار در سطح ۰/۰۰، رابطه مستقیم و مثبت هستند که بیانگر این است که هر چقدر میزان متغیرهای مستقل بالا برود میزان خشونت رفتاری نیز افزایش می‌یابد. این نتایج تمام فرضیه‌های ما را تأیید می‌کند.

جدول شماره (۱) نتایج رابطه همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته خشونت رفتاری

متغیر وابسته		متغیر وابسته (خشونت رفتاری دانش-آموزان)	
متغیر وابسته	عدد	همبستگی پیرسون	ضریب
ناکامی	۴۳	۰/۳۲۹	سطح معناداری
غیبت والدین	۴۳	۰/۵۵۰	۰/
یادگیری اجتماعی	۴۳	۰/۵۲۴	۰/
شیوه‌های انضباطی	۴۳	۰/۵۴۳	۰/
رسانه‌های همگانی	۴۳	۰/۴۵۰	۰/
محیط آلوده زندگی	۴۳	۰/۲۶۶	۰/
خشونت والدین	۴۳	۰/۴۳۵	۰/

از رگرسیون چند متغیری با روش گام به گام به پیش بینی و تبیین متغیر وابسته بر اساس مجموع متغیرهای مستقل پرداخته شده است و متغیرهای مؤثر در واریانس متغیر وابسته وارد معادله می-شوند و تأثیر آنها بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار می‌گیرد.

همان طور که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌شود، از بین متغیرهای مستقل فقط متغیرهای ناکامی، شیوه‌های انضباطی، غیبت والدین، یادگیری اجتماعی در معادله باقی‌مانده و دیگر متغیرهای مستقل خشونت والدین، رسانه همگانی، محیط آلوده، بعد خانوار از معادله خارج شدند. در بین متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیونی متغیر یادگیری اجتماعی بیشترین تأثیر در تبیین متغیر وابسته دارد.

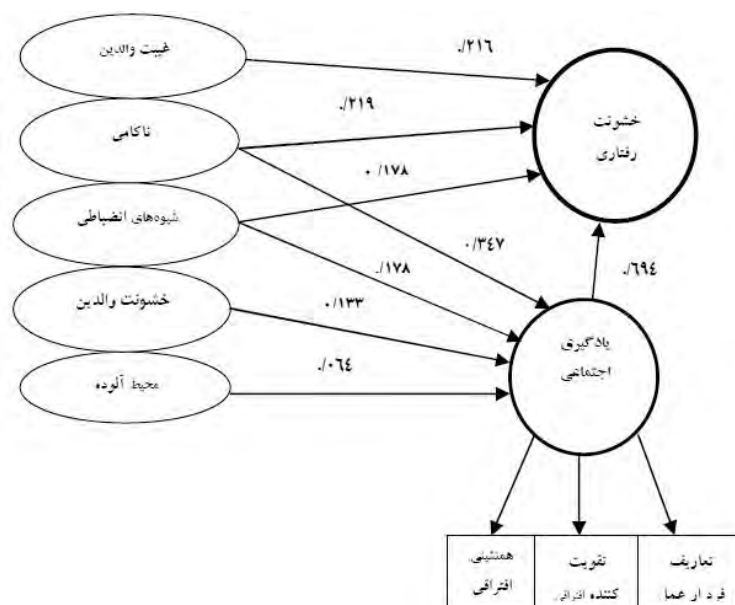
جدول (۲) مدل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته خشونت رفتاری دانش‌آموزان

متغیرها	ضریب رگرسیونی استاندارد	درجه
	بتا	معناداری
یادگیری اجتماعی	۰/۶۹۴	۰/۰۰
غیبت والدین	۰/۲۱۶	۰/۰۰
ناکامی	۰/۲۱۹	۰/۰۰
شیوه انضباطی	۰/۱۷۸	۰/۰۱
ضریب همبستگی چندگانه (R)	۰/۸۶۴	
ضریب تبیین R^2	۰/۷۴۶	
سطح معناداری	۰/۰۰۰	
دوربین واتسن	۱/۹۶	

ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۸۶۴ بیانگر وجود رابطه مثبت و قوی بین متغیرها است. همچنین ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۷۴ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط متغیر یادگیری اجتماعی، غیبت والدین، ناکامی، شیوه‌های انضباطی تعیین می‌گردد و بقیه توسط متغیرهای خارج از مدل تبیین می‌شود. هم چنین معناداری F بیانگر آن است که دست کم یکی از متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی، رابطه معناداری با متغیر وابسته داشته و متغیر مستقل ترکیب خطی مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارد. همان طور که در مدل مسیر مشاهده می‌شود، تنها چهار متغیر شیوه‌های انضباطی، یادگیری اجتماعی، غیبت والدین و ناکامی به طور مستقیم بر خشونت رفتاری دانش‌آموزان تأثیرگذار بوده‌اند که یادگیری اجتماعی با ضریب مسیر (بتای) ۰/۶۹۴، اولین و مهمترین متغیر تبیین کننده خشونت است و سه متغیر دیگر به ترتیب اثر گذاری شامل؛ ناکامی با ضریب مسیر ۰/۲۱۹، متغیر غیبت والدین با ضریب مسیر ۰/۲۱۶ و همچنین متغیر شیوه‌های انضباطی با ضریب مسیر ۰/۱۷۸ متغیرهای تبیین کننده دیگر هستند.

شکل شماره (۱) مدل تحلیل مسیر (تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر خشونت رفتاری دانش‌آموزان)

عوامل و ریشه‌های خشونت در بین دانش آموزان دوره دبیرستان آذر شهر



متغیر ناکامی نیز با تأثیر بر خشونت رفتاری با ضریب مسیر (بتای) $0/219$ به طور مستقیم بر خشونت رفتاری تأثیر گذاشته است. همچنین این متغیر به میزان $0/347$ ضریب مسیر بر متغیر یادگیری اجتماعی گذار بوده است. این نشان می‌دهد که هر چقدر دانش‌آموزان در رسیدن به اهداف مورد نظر خود ناکام بشوند به همان اندازه احتمال بروز رفتار خشونت آمیز افزایش می‌یابد.

متغیر غیبت والدین با ضریب مسیر (بتای) $0/216$ به طور مستقیم بر خشونت رفتاری دانش‌آموزان تأثیرگذار است. این تأثیرگذاری بیانگر این مطلب می‌باشد که هر افرادی که خانواده سالم دارند به میزان کمتری نسبت به افرادی که خانواده گسسته یا ناسالم دارند دچار خشونت رفتاری می‌شوند. متغیر شیوه‌های انضباطی سومین متغیری است که به طور مستقیم با ضریب مسیر (بتای) $0/178$ بر متغیر وابسته خشونت رفتاری تأثیرگذار می‌باشد، همچنین به همان اندازه بر متغیر یادگیری اجتماعی تأثیر گذار بوده است این نشانگر اهمیت شیوه‌های انضباطی در کنترل و کاهش دادن خشونت رفتاری دانش‌آموزان حاکی می‌باشد.

ولی دو متغیر اصلی تحقیق حاضر خشونت والدین، محیط آلوده با ضریب مسیر $0/133$ و $0/064$ از طریق متغیر یادگیری اجتماعی به طور غیرمستقیم بر خشونت رفتاری دانش‌آموزان تأثیر داشته‌اند. این تأثیر غیرمستقیم نشان از اهمیت متغیر یادگیری اجتماعی در موضوع خشونت می‌باشد.

بحث و نتایج

آموزش و پرورش یکی از نهادهای اساسی حفظ و تکامل جامعه است. این نهاد که تعلیم دهنده و مهیا کننده جامعه برای حرکت به سوی آینده می‌باشد. ولی بعضاً برخی از مسایل و مشکلات باعث می‌شود که این نهاد نتواند به وظایف خویش بهتر عمل کند یکی از این مشکلات بروز و افزایش رفتارهای خشونت آمیز در بین دانش‌آموزان است. نتایج تحقیق نشانگر این است که خشونت رفتاری بیشتر تأثیرپذیر از مسایل ساختار اجتماعی می‌باشد تا مسایل زیستی و غیره.

متغیر یادگیری اجتماعی با سه بعد خود با عنوان تقویت کننده‌های افتراقی، هم‌نشینی افتراقی و تعاریف فرد از عمل خود بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته‌اند. به طوری که دیگر متغیرهای تحت تأثیر سنجش این متغیر بوده است. این یافته با نظریات یادگیری اجتماعی بندورا، سادرلند، یادگیری مشاهده‌ای میلر و دلارد همخوانی دارد. بیش از نیمی واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. بنابر این بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، خشونت از طریق مشاهده چه به طور مستقیم و چه به طور غیرمستقیم آموخته می‌شود و کودکانی که خشونت را می‌آموزند بیشتر از دیگر افراد در بزرگسالی عامل خشونت یا قربانی خشونت می‌شوند. به عبارت دیگر خشونت خشونت را می‌پروراند.

مسأله ناکامی دانش‌آموزان در رسیدن به اهداف و برنامه‌های مورد نظر خود، یکی از عوامل مهم در افزایش خشونت رفتاری دانش‌آموزان می‌باشد. با افزایش ناکامی فرد احساس محرومیت نسبی می‌کند و پرخاشگری ناشی از محرومیت و ناکامی فرد را متوجه عامل ناکامی می‌کند و می‌خواهد با آن به مقابله برخیزد، اگر فرد جامعه را عامل ناکامی خود بدانند دست به ستیز با جامعه می‌زند. بنابر این باید تلاش شود موانع رسیدن به اهداف در بین دانش‌آموزان کمتر بشود تا از این طریق از خیلی اتفاقات ناگوار جلوگیری شود.

غیبت والدین یا دوری والدین به هر عنوان از خانواده باعث خیلی از مشکلات روحی و روانی و اجتماعی برای یک فرد می‌شود. در تحقیق حاضر فقط ۱۳ خانواده به خاطر طلاق و ۱۷ خانواده به دلیل فوت یکی از والدین دچار گسیختگی شده‌اند. ولی در ۱۲۶ خانواده به خاطر شغل، والدین تا حدودی دور از هم زندگی می‌کنند. گسیختگی خانواده همیشه یکی از عوامل مهم در افزایش مشکلات اجتماعی برای جامعه می‌باشد.

رابطه همبستگی بالای متغیر شیوه‌های انضباطی و پیش‌بینی متغیر وابسته خشونت رفتاری نشان می‌دهد که دانش‌آموز به رفتار و هنجارهای موجود خیلی توجه دارد و یکی از دلایل خشونت خود را درست نبودن هنجارهای مدرسه و خانه می‌داند.

همان طور که نظریه یادگیری اجتماعی می‌گوید خشونت آموختنی هست نه ذاتی. فرد خشونت را در بازی با همسالان و زندگی در خانواده‌ای با رفتارهای خشونت‌آمیز، می‌آموزد. محل زندگی فرد و محیط اطرافش معلم قوی در آموزش رفتارهای اجتماعی بهنجار و نابهنجار می‌باشد، زندگی فرد در محیط آلوده همانند مناطقی که با میزان بالای جرم و جنایت باشد و افراد ارادل و اوباش و بزهکار بیشتر زندگی می‌کنند، شانس پرخاشگری در این فرد زیاد خواهد بود. اگر محیط آلوده باشد فرد دچار ایده‌های ناسازگارانه با جامعه می‌شود و رفتارهای خشن و بزهکارانه را شیوه زندگی خود قرار می‌دهد. رسانه‌های همگانی

یکی از عوامل مهم در افزایش خشونت در بین نوجوانان و جوانان می‌باشد این موضوع به کرات در تحقیقات تجربی داخلی و خارجی اثبات شده است.

با توجه نتایج و پیشینه تجربی و نظری تحقیق پیشنهاد می‌گردد:

- تقویت ارتباط و اعتماد متقابل بین اعضای خانواده توسط والدین به طوری که والدین وقت زیادی را صرف بررسی مسایل خانوادگی خود نموده و ارتباط کافی با یکدیگر و با فرزندان خود برقرار نمایند.

- کاهش تضادها در خانواده، چرا که خود این تضادها منجر به یادگیری پرخاشگری و زمینه‌ی بروز رفتارهای جرم آمیز را مهیا می‌سازد.

- تقویت حس خود باوری و علاقمندی به جامعه در فرزندان توسط اعضای بزرگسال خانواده.

- گسترش فرهنگ گفتگو و مذاکره در درون خانواده‌ها.

- کنترل و نظارت معتدل بر رفتارهای نوجوان، معاشرت‌ها و دوستان وی.

- نشان دادن واکنش مناسب در مقابل رفتارهای نادرست فرزندان به محض مشاهده نخستین رفتار خشونت‌آمیز و کجروانه.

- تقویت باورهای مثبت نسبت به زندگی.

- ایجاد شبکه‌های حمایتی توسط اعضا محله به منظور کمک به اعضای که از نظر اقتصادی

دچار محرومیت هستند و مجبورند کودکان خود را به دست بندهای کار بسپارند و باعث زود یادگیری آنان از اتفاقات جامعه، محله و تماس با دیگران می‌شوند.

- افزایش آگاهی همسایگان از نحوه‌ی برخورد صحیح با یکدیگر توسط انجمن‌های محلی.

- شناساندن همدلانه و نرم هنجارهای مدرسه به دانش آموزان و پرهیز از اجبار و تنبیه و غیره برای اجرای قوانین مدرسه.

منابع

منابع فارسی

۱. احمدی، ا. (۱۳۷۸). روان شناسی نوجوانان و جوانان، تهران: نخستین، چاپ هشتم.
۲. اتکینسون، ر. (۱۳۸۵). زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه: م. براهنی و دیگری، تهران: انتشارات رشد.
۳. الیوت، ا. (۱۳۸۵). روانشناسی اجتماعی، ترجمه: ح. شکرکن، تهران: انتشارات رشد.

۴. توسلی، غ و فاضل، ر. (۱۳۸۱). پایگاه اجتماعی- اقتصادی و رفتار والدین بر اثر بخشی خشونت تلویزیونی بر رفتار کودکان، **مجله جامعه شناسی ایران**، دوره چهارم، شماره ۳، ناشر: انجمن جامعه شناسی ایران.
۵. کریمی، ی. (۱۳۷۳). **روان شناسی اجتماعی**، تهران: انتشارات پیام نور.
۶. کوئن، ب. (۱۳۸۱). **مبانی جامعه شناسی**، ترجمه: غ. توسلی و ر. فاضل، تهران: سمت.
۷. میرزا بیگی، ح و دیگری. (۱۳۸۷). **پرخاشگری و راه های کاهش آن**، تهران: فراگفت.
۸. ولد، ج و دیگری. (۱۳۸۰). **جرم شناسی نظری** (گذری بر نظریه های جرم شناسی)، ترجمه: علی شجاعی، تهران: انتشارات سمت.

منابع انگلیسی

- Akers, R. (۱۹۹۸). **Social Learning and Social Structure: A General Theory of Crime and Deviance**, Boston: Northeastern University Press.
- Berkowitz, L. (۱۹۹۳). **A survey of social psychology**, CBS College publishing.
- Bernard, T. (۱۹۹۰), **angry aggression among the truly disadvantaged**, Criminology pp: ۹۶, ۲۸ and ۷۳.
- Baldry, A. (۲۰۰۳). **Bullying in schools and exposure to domestic violence**, Child Abuse & Neglect, ۲۷, ۷۱۳-۷۳۲.
- Burnett. C. (۱۹۸۸). **School violence in an impoverished South African Community**. Child Abuse & Neglect. ۲۲(۸), ۷۸۹-۷۹۵.
- Baron, R. and Donn, b. (۱۹۹۴). **Social Psychology: Understanding Human Interaction**. Allyn And Baron.
- Dahlberg, L. (۱۹۹۸). Youth violence in the United States: Major trends, risk factors, and prevention approach. **American Journal of Preventive Medicine**. ۱۴, ۲۵۹-۲۷۲.
- Kim, D, Kim, K, Park. Y., C., Zhang, L., D., Lu, M., K., & Li, D. (۲۰۰۰). **Children's experience of violence in China and Korea: A transcultural study**. Child Abuse & Neglect. ۲۴ (Q), ۱۱۶۳-۱۱۷۳.
- La Flamme, L, Menckel, E., Aldenberg, E. (۱۹۹۸). Violence in the Swedish school environment: Extent of the problem and its manifestations work. **Journal of Educational Psychology**. ۱۱, ۱۴۳-۱۵۳.
- O'Keefe, M. (۱۹۹۹). Predictors of dating violence among high school students. **Journal of Interpersonal Violence**. ۱۲(۴), ۵۴۶-۵۸۸.
- Simons, R., L., Lin, K., H., & Gordon L., C. (۱۹۹۸). Socialization in the family of origin and male dating violence: A Prospective study. **Journal of Marriage and the Family**. ۶۰(۲), ۴۶۷-۴۷۸.